

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پپ اسکوبار * - Pepe Escobar

برگردان از: حمید محوی

۳۰ سپتمبر ۲۰۱۴

عملیات تاماهاوک علیه خلیفه و خراسان



شلیک راکت‌های تاماهاوک Tomahawk سرانجام با بدرقه کاروان رسانه‌های از نوع «گفتارنو» (۱) آغاز شد. بیش از ۴۲ تاماهاوک از سیلوها و سکوها پر تاب راکت ناوگان ششم آمریکا از بستر مدیریتانه به سوی سوریه شلیک شد. علاوه بر این، باید ضربت هوایی و دوزخی اف ۲۲ ها و شلیک راکت‌های هیل‌فایر از روی پهپادهای ایالات متحده را نیز به فهرست اضافه کنیم. در مجموع یک مینی-عملیات «شوک و بهت» بود که برای خلیفه ابراهیم، الیاس ابوبکر البغدادی رهبر خود برگزیده دولت اسلامی تدارک دیده بودند.

تلاش پی گیر برای جراحی دقیق در عملیات... تمام اهداف از پیش تعیین شده، از انبار جنگ افزار در کاخ شهرداری رقه (ستاد فرماندهی خلیفه) تا انواع و اقسام ایستگاه‌های کنترل به انضمام ده ها جهاد طلب (۱۲۰ نفر شاید) مورد اصابت قرار گرفت و تخریب شد.

ایالات متحده هیچ گاه تنها نبوده به جز در این مورد که نیروهایش تنها به همراهی دیکتاتورهای عادی متکی به دال‌های نفتی خلیج (خلیج فارس) و اردنی است که چندان تمایلی برای شرکت در «فعالیت‌های جنبشی» (۲) ندارند.

اگر «گفتار نو» محافظت شده را نادیده بگیریم، خارج از این شیوه بیانی رسمی، هیچ کس چیزی از بسیج نیروی هوایی قدرتمند شورای همکاری کشورهای عرب خلیج (خلیج فارس) برای بمباران سوریه ندیده و نشنیده است. باید گفت که تمام این رکابداران در مقابل مردم کشورهايشان از اعلام یک جنگ دیگر علیه یک کشور عرب دیگر بیم دارند. در دمشق، با متانت گفتند که از بمباران سرزمین سوریه توسط پنتاگون مطلع شده‌اند. ولی هیچ کس از طرح پنتاگون در سوریه هیچ اطلاع دقیقی ندارد.

پنتاگون اعلام کرده است که در آغاز « برپائی یک اردوگاه پشتیبانی» به سر می برد، این موضوع را اگر بخواهیم به شکل دیگری بیان کنیم، معنای آن این است که با تکیه به اصطلاح اصلی یعنی جنگ جهانی علیه تروریسم، این جنگ از نوع دراز مدت خواهد بود. با رعایت احتیاط می توانیم بگوئیم که، این اتحادیه تنها یک بازیگر اصلی دارد که می توانیم آن را [عملیات تاماهاوک علیه خلیفه] بنامیم.

نام من خراسان است

موضوعی که می تواند توجه اف ۲۲ ها را جلب کند. یا شاید هم نه. حمله به ضرب تاماهاوک تازه شروع شده بود که یک راکت پاتریوت اسرائیلی ساخت ایالات متحده یک هواپیمای سوخو ۲۴ سوریه را هدف گرفت و سرنگون کرد. اسرائیل مدعی شده است که این هواپیما به مرز فضائی اسرائیل در بلندی های جولان تجاوز کرده بود و ما تنها از خودمان دفاع کردیم. به سختی بتوانیم نموداری روشنتر و بهتر از این برای هماهنگی تنگاتنگ اسرائیل با پنتاگون پیدا کنیم.

واقعیت این است که بمباران خلیفه هدف نهائی نیست، بلکه سرآغازی است برای بمباران پشمارا و نیروی نظامی او (مترجم : بخوانید بمباران سوریه و مردم سوریه). بین این رویدادها در مورد بمباران هشت نقطه اصابت در غرب حلب، چیزهایی در مورد شبی که نام خراسان شنیدیم که گویا یکی از شبکه های اسرار آمیز القاعده است. داستانی که می تواند تمام خوانندگان و طرفداران مدرسه جغرافیای سیاسی انتشارات مارول Marvel را به شگفتی وادارد.

دو خبیث در آن واحد ؟

چی گفتی.

و دومی خبیث تر از خلیفه است.

این الگوی ابتذال، بن رودز Ben Rhodes مشاور ملی- معاون امنیت ملی اوباما، خراسان را به عنوان «گروهی افراطی که از چند نفر تشکیل شده و از مدتها پیش تحت نظر ما می باشند» تعریف کرده است. تکرار یکپارچه «گفتار نو» در دولت اوباما این است که خراسان متشکل از اعضای قدیمی القاعده است که از تمام خاورمیانه آمده اند و دور یک دیگر جمع شده اند، به انضمام القاعده در عراق و جبهه النصره و به همچنین از پاکستان که یکی از شاخه های اولترا افراطی طالبی های پاکستان را تشکیل می دهد.

در هم ریختگی از این بیشتر ممکن نیست : القاعده در عراق هسته دولت اسلامی در عراق و شامات است، که به دولت اسلامی (یا خلافت اسلامی) تبدیل شده. جبهه النصره وفادار به القاعده در سوریه و به فرمان ایمان الظواهری عمل می کند. این دو گروه از یکدیگر متنفرند ولی با این وجود خراسان با گردآوری وفاداران به خلیفه از القاعده قابل تفکیک است. واشنگتن جبهه النصره را به عنوان «میان رو» تعریف می کند (در هر صورت تا وقتی که در رکاب ناتو باشند). مطمئناً برای شما مشکل خواهد بود که به روشنی این گروه ها را تشخیص دهید. به هر تقدیر، صورت و حل مسأله چنین است : اگر تردیدی در مورد هویت آنها وجود داشته باشد، همه آنها را بمباران خواهیم کرد.

خلیفه، به گذشته پیوست، ولی امروز اصل ماجرا به روی وفاداران شیخ آسای خراسان تمرکز یافته است. خراسان به اندازه ای خبیث است که پنتاگون را متقاعد ساخته که در حال تدارک یک ۱۱ سپتمبر جدید است.

شیخ در ماشین جنگ جهانی علیه تروریسم

خراسان شیخ آرمانی و «ایده آل» در ماشین جنگ جهانی علیه تروریسم است : هدف جنگی در درون یک جنگ دیگر. زیرا در واقع اوباما در آن واحد به دو جنگ دامن زده است، زیرا بر اساس قانون حق اعلام جنگ دو گزارش مختلف، برای هدف گرفتن خلیفه و خراسان، به کنگره تحویل داده است.

چه چیزی پشت این نام نهفته است ؟ ابلیس نمائی جدیدی که زیر آن ایران را پنهان کرده اند (چرا که نه ؟)، زیرا خراسان تاریخی، بخش قدیمی پارت است که ایران و بخشی از افغانستان را در بر می گیرد.

خراسان از دیدگاه نظری توسط ژوکر، ببخشید، توسط فرمانده بزرگ القاعده **محسن آل فیصل** رهبری می شود که در سال ۱۹۸۱ در کویت متولد شده است. اگر چه **ایمن الظواهری** برای او اعتباری قائل نیست، ولی پنتاگون بر این باور است که او **الفضلی** را به سوریه در بخش تحت تسلط خلیفه فرستاده است تا جهاد طلبان اروپائی را که پاسپورت اروپائی دارند جذب کند، زیرا این گروه از جهاد طلبان (فرانسوی، بلژیکی و غیره...) در فرودگاه ها از آزادی برخوردار بوده و می توانند در خطوط هوائی بمب گذاری کنند.

وزارت خزانه داری بر این باور است که الفضلی حتی یک سلول القاعده در ایران را هدایت می کرده (ابلیس نمائی ها سخت جان هستند و در طول زمان دوام می آورند) و برای آمد و رفت بین افغانستان و عراق تسهیلاتی فراهم آورده بوده است.

چه کنتراستی با خلیفه که چیزی فراتر از یک محصول نمایشی نیست. خراسان تاریکی و ابهام در حالت ناب است. هیچ کس نمی داند چه تعداد عضو دارد، از چه زمانی تشکیل شده و واقعاً چه می خواهد.

از سوی دیگر، حدود ۱۹۰۰۰۰ نفر را که زیر بمباران در رقه به سر می برند به فراموشی سپرده اند. هیچ گزارشی در مورد خسارات جانبی (قربانیان غیر نظامی از بین شهروندان) منتشر نشده، اگر چه شمارش اجساد آغاز شده است. در مورد وفاداران به خلیفه، احتمالاً تاکتیک مائو را به کار خواهند بست و مثل ماهی در آب ناپدید خواهند شد. پنتاگون نیز به زودی صحرای بی آب و علف را بمباران خواهد کرد، اگر تا اکنون چنین بمباران هائی را شروع نکرده باشد. «ارتش آزاد سوریه» این اسطوره قطری دیگر وجود ندارد. جهاد طلب «میانه رو» نیز در سوریه پیدا نخواهد کرد. همه آنها به مبارزان خلیفه یا الظواهری پیوسته اند. با این وجود دولت اوباما موافقت کنگره را برای پشتیبانی از «شورشیان میانه رو» کسب کرده است.

سفیر ایالات متحده در سازمان ملل متحد خانم سامانتا پاور Samantha Power به گفته NBC News Meet the Press, 21-09-2014، ملکه بی رقیب دیوانگی افسارگسیخته، روی یک نکته درست می گوید. از این تشکیلات «شورشیان میانه رو» به عنوان «گروه های مبارز که از آغاز در سوریه حضور داشته اند در مبارزه علیه رژیم اسد استفاده خواهد شد و مورد پشتیبانی قرار خواهند گرفت». این «اردوگاه پشتیبانی» مشخصاً در مخفی برای بازیگرانی است که در گذشته روی صحنه درام «اسد باید برود» را تکرار می کردند و به عبارت دیگر «اردوی پشتیبانی» نسخه تغییر شکل یافته همان درام است.

آنهاست که واقعاً خواهان مبارزه علیه وفاداران به خلیفه هستند از راکت تاماهاوک استفاده نمی کنند. آنها اعضای ارتش عرب سوریه هستند (که ۳۵۰۰۰ نفر از آنها در میدان نبرد علیه امارات اسلامی در عراق و شامات و علیه القاعده کشته شدند)، آنها مبارزان حزب الله، مشاوران و مأموران پاسداران انقلاب ایران و شبه نظامیان کردستان عراق هستند. ولی شما روی آنها حساب نکنید. از این پس تولید برتر در فصل جدید، امپراتوری هرج و مرج است که خلیفه و شیخ جدید را در ماشین جنگ جهانی علیه تروریسم بمباران می کند. این بار با یک بلیط دو نمایش را تماشا کنید. زیرا که ما بیداریم و از شما در مقابل عوامل خبیث «ناشناس»، «ناشناخته» دفاع خواهیم کرد.

*: پپ اسکوبار روزنامه نگار آسیا تایمز Al'Asia Times و الجزیره Al-Jazeera است. او نویسنده چندین کتاب می باشد:

« Globalistan : How the Globalized World is Dissolving into Liquid War » (Nimble Books, 2007) ; « Red Zone Blues : a snapshot of Baghdad during the surge » ; « Obama does Globalistan » (Nimble Books, 2009).

: منبع

<http://www.mondialisation.ca/operation-tomahawk-sur-le-calife/5404571>

یادداشت های مترجم:

۱) «گفتار نو» (بر اساس ترجمه ویکیدییای فارسی) ترجمه novlangue به فرانسه (ترجمه Newspeak به انگلیسی) است. زبان رسمی کشور تخیلی «اوسه آنیا» Océania در رمان جرج اورول George Orwell به نام «۱۹۸۴» (منتشر شده به تاریخ ۱۹۴۹) است.

قاعده این زبان «گفتار نو» — بسیار ساده است: هر اندازه تعداد واژه ها را در زبان کاهش دهیم و هر اندازه واژه ها را در هم بیامیزیم، به همان اندازه، و با محدود ساختن شیوه بیانی، تعداد مفاهیمی که مردم با آن می اندیشند را محدود خواهیم کرد. تسلط ناکافی و یا بد آموزی آن توسط دستگاه های تبلیغاتی بزرگ مانند تلویزیون، موجب تحمیل توده های مردم می شود و آنها را برای آلت دست شدن آماده و مساعد می سازد.

در نتیجه نازل سازی فرهنگ واژگان و جمله پردازی زبان به هدف ناممکن ساختن شیوه های بیانی و نظرات عصیانگر و اجتناب از هر گونه نقد علیه دولت می باشد و حتی اجتناب از این که طرح نقدی اساساً بتواند وجود داشته باشد هدف نهایی در گسترش «گفتار نو» می باشد.

از تاریخ انتشار کتاب جرج اورول، «نولانگ — یا — نیو اسپیک» که به فارسی آن را «گفتار نو» ترجمه کرده اند، در متن فرهنگ و جهان رسانه های (خاصه رسانه های الترنتیو و انتقادی) غرب به عنوان اصطلاح و مفهومی شناخته شده کاربرد پیدا کرده و رایج شده است، یعنی به معنای زبانی برای تغییر شکل دادن یا تحریف واقعیت.

البته این اصطلاح در زبان فارسی و جهان نقد فارسی هنوز رایج نیست. (novlangue برگرفته از ویکیدییای فرانسه) ۲) «activités cinétiques» اصطلاح تخفیف دهنده برای عملیات نظامی که به ذخیره «گفتار نو» در رسانه های حاکم تعلق دارد که من در اینجا آن را به شکل «فعالیت جنبشی» ترجمه کرده ام.

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۹ سپتمبر ۲۰۱۴

مرکز مطالعات جهانی سازی، ۲۶ سپتمبر ۲۰۱۴